

عبدالعلی اصفهانی

وکیل پایه یک دادگستری



جامعه ایرانی و مجرمین بعات

چند روز پیش بعنوان وکیل تسخیری وظیفه دفاع از سارق جوانی را که یک فقره سابقه سرقت داشت عمده دارد بودم. بیچاره در همان مراحل تحقیق بارتکاب جرائم انتسابی اقرار کرده بود و در محاکمه نیز انکاری بعمل نیاورد. از محتوای پرونده پیدا بود که مجموع مالی که وی سرقت کرده بود بیش از دوست تومان ارزش نداشت و شاکی پرونده هم از او گذشت کرده بود ولی با توجه بیک فقره سابقه قاضی دادگاه لاعلاج بود لاقلاً یکسال حبس برای وی تعیین نماید. و این انسان جوان بخاطر این مبلغ جزئی برای مرتبه دوم بمدت یکسال راهی زندان گشت و میرفت که مجدداً زن جوان و دو فرزند صغیر خود را بدون سرپرست در این اجتماع طوفانی رها کند و خود در زندان کور تکمیلی یکساله سرقت آمیزی را ببیند.

پس از صدور حکم پلیس متهم را از دادگاه خارج کرد. من ماندم و آقای رئیس دادگاه در حالیکه هر دو بیکدیگر نگاه میکردیم و پیدا بود که قاضی از حکمی که صادر کرده راضی نیست و منم خواه ناخواه دفاعم تأثیری در قضیه نداشت دلخوری وجودم را فرا گرفته بود.

راستی آیا اجتماع ما از زندان انداختن چنین شخصی چه سودی میبرد؟ آیا همین شخص پس از برگشتن از زندان با آموزش فوت و فن کار از زندانیان با سابقه باتجربه بیشتری در بزهکاری وارد اجتماع نخواهد شد؟ و با چراغ تجربه و کارآموزی کالاهای گزیده تری نخواهد برد و برای اجتماع خطرناکتر نخواهد شد؟ مکاتب فلسفی «حقوقی» و اجتماعی در مورد فلسفه مجازات سه مطلب را در نظر گرفته اند و هدف از مجازات را در دفاع از حقوق جامعه و قصاص از مجرم و اصلاح او خلاصه کرده اند.

در مورد چنین پرونده‌هایی زندانی کردن اشخاص مثل موکل بیچاره من چه زندگی و کردار او زائیده اجتماع و محیط ماست کدامیک از این سه هدف تعقیب شده است؟. جامعه فقط بمدت یکسال از شر این سارق مصون خواهد بود و پس از گذشت این مدت این شخص کارآزموده و عصبانی‌تر دوباره بجنگ جامعه خواهد آمد. مسئله قصاص هم نظر بگذشت شاکی مطرح نیست و اصلاح مجرم با توجه بوضع فعلی زندانهای ما بهیچ وجه عملی نیست.

نظر بهمین دلایل رئیس دادگاه هم که قاضی بصیری است از حکمی که صادر کرده بود ناراضی بنظر میرسید ولی چه سود که قانون دست او را بسته بود. در مورد مجرمین سابقه‌دار خصوصاً سارقین مسائل مختلفی جلب نظر میکند.

۱- اصولاً چگونه میتوان جامعه را از شر آنها مصون داشت؟

۲- به چه وسیله آنها را مجازات کرد که باعث تنبیه آنان شود؟

۳- پس از اتمام مجازات و آزادی چه راه حل‌هایی میتوان پیش‌بینی کرد که آنها بتوانند زندگی شرافتمندانه‌ای در پیش گیرند و دوباره در پی اعمال ضد اجتماعی نگردند؟

۴- خانواده مجرمین در مدتی که از شوهر یا پدر زندانی خود دور و از حمایت اجتماعی و اقتصادی او محروم هستند چه وضعی دارند و دولت چگونه میتواند بآنها کمک کند؟

پس از خاتمه جلسه محاکمه در اطراف این مسائل بین ما وقاضی بصیر دادگاه گفتگوها رفت و پس از طرح مسائل مختلف و بحث در باره آنها باین نتیجه رسیدیم که در جامعه امروز ما مسئله مجرمین بحدت فقط یک راه حل دارد و آن این است که در نقطه و یا نقاطی از مملکت ماکه ۶۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد منطقه وسیع و محفوظ و محرومی برای زندگی این قبیل اشخاص و خانواده آنان در نظر گرفته شود و انواع وسائل کارهای کشاورزی یعنی آب و زمین و ماشین آلات کشاورزی در اختیار آنان قرار گیرد و مسکن و مدرسه برای خانواده آنان پیش‌بینی شود و در حاشیه کشاورزی واحدهای کوچک و بزرگ کارهای دستی و صنعتی تأسیس گردد. و اگر مسئله کنترل و حفاظت این مناطق بنظر مشکل میرسد دولت میتواند یکی از جزائر متعددی که در خلیج فارس و دریای عمان قرار دارد باین امر اختصاص دهد.

مسئله بودجه و هزینه ایجاد تأسیسات نیز نظر به اینکه درآمدهای اضافی فراوانی که از ازدیاد قیمت نفت حاصل ملت ایران شده چه عیبی دارد که مقداری از آن صرف تربیت و آسایش این تعداد از ملت گردد. که مآلاً نتیجه نهائی آن بهمه افراد اجتماع بر خواهد گشت؟

این طرح در دید اول خیالی و فانتزی بنظر میرسد ولی اگر با دقت مورد مطالعه و پنی‌گیری واقع شود بنظر میرسد عملی و مفید خواهد بود.

تجربه مطالعه پرونده‌های کیفری نشان میدهد بسیاری از سارقین دارای ۱۰- الی ۲۰ فقره سابقه محکومیت کیفری هستند این اشخاص اگر زندانیند مشغول طرح

نقشه‌های دزدی مفصل و جدیدی میباشند و اگر آزادند دارند نقشه‌هاییکه در زندان کشیده‌اند اجرا میکنند.

در اجرای طرح پیشنهادی کافیست که مجرمی لااقل دارای دو فقره سابقه محکومیت کیفری مؤثر باشد و باتفاق افراد تحت تکفل (اگر مایل باشند) برای مدت نسبتاً طولانی بمنطقه مورد نظر اعزام شوند و امکان هر نوع فعالیت کشاورزی و صنعتی در اختیار او و افراد خانواده‌اش گذاشته شود.

کشور استرالیا روز اول تبعیدگاه مردم انگلیس بود و جنایتکاران با سابقه انگلیسی همراه با خانواده خود باین جزیره بزرگ تبعید میشدند ولی حالا پس از چند نسل بهیچ عنوان نمیتوان این کشور را کشور جنایتکاران دانست و اولاد جنایتکاران مسیر زندگی معمولی را پیش گرفته‌اند.

بنده در ابراز عقیده خود سماجت ندارم. درد جامعه را نوشتم و داروئی هم پیشنهاد کردم اگر خوانندگان بصیر راه‌حل بهتری سراغ دارند پیشنهاد فرمایند شاید مورد توجه اولیاء امور قرار گیرد و اگر طرح پیشنهادی را جالب تشخیص میدهند از آن حمایت نمایند.

قدر مسلم این است که وضع فعلی بهیچ وجه با عقل و شرع و منطق و با هیچیک از موازین علوم اجتماعی و تربیتی تطبیق نمیکند. باید فکری بحال آن کرد و الا تعداد روز افزون جنایتکاران حرفه‌ای جامعه ایرانی را شدیداً تهدید میکند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی